



## برجسته‌نمایی شاخص‌ترین گروه «مرز همگویی» در گونه‌های زبانی شمال استان ایلام

یاسر سنایی<sup>I</sup>

کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران جنوب

آرزو نجفیان<sup>II</sup>

دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران جنوب

سیف‌اله ملایی پاشایی<sup>III</sup>

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران جنوب

علی سنایی<sup>III</sup>

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان

نوع مقاله: مقاله پژوهشی؛ تاریخ دریافت: ۳۱ فروردین ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۱ مرداد ۱۳۹۸؛ صص ۹۵-۱۱۷

### چکیده

پژوهش حاضر در چهارچوب گویش‌شناسی داده‌بنیاد (گویش‌سنجی) و با بهره از تحلیل انبوهی داده‌ها، می‌کوشد مهمترین گروه‌های «مرز همگویی» گویش‌های شمال استان ایلام نمایان سازد که طیفی از عناصر زبانی در حوزه‌های آواشناسی، ساخت‌واژه و نحور شامل می‌شود. جامعه‌ی آماری این پژوهش، تمامی ۱۶ دهستان از مجموع چهار شهرستان حوزه‌ی شمالی استان ایلام را در برمی‌گیرد. این پژوهش بر اساس نمونه‌گیری از تمامی روستاهای بیش از ۱۰۰ خانوار حوزه‌ی پژوهش بوده و بر این اساس و با توجه به شباهت گویشی، بعد مسافت، محدودیت‌های پژوهش و گویش‌های منحصر به فرد، از هر روستا یک نمونه (۳۶ نمونه‌ی گویشی از ۳۵ روستا) گویشی تهیه شده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، همان پرسش‌نامه‌ی «طرح ملی اطلس زبانی ایران» است. مبنای تحلیل این پژوهش، مجموعاً ۱۱۷ واژه و عبارت و سه جمله‌ی ساده، مستخرج از پرسشنامه است. روش پژوهش میدانی است. تحلیل داده‌های گردآوری شده به‌صورت آماری به انجام رسیده است. با بهره‌گیری از امکانات آماری بسته‌ی نرم‌افزاری گویش‌سنجی و نقشه‌نگاری RuG/L04 پراکندگی مناطق گویشی، توزیع تنوعات آوایی، واژگانی و نحوی حوزه‌ی پژوهش واکاوی شد. نتایج نشان داد که سه گروه گویشی عمده‌ی «لکی»، «لری» و «کردی جنوبی» و مجموعاً شش زیرگروه گویشی در شمال استان ایلام وجود دارد. همچنین از تحلیل داده‌ها مشخص شد که یک گروه «مرز همگویی» برجسته، گونه‌های زبانی شمال استان ایلام را از هم متمایز می‌کند. عناصر زبانی متعددی، می‌توانند زیرمجموعه‌ی این گروه برشمرده شوند.

### کورتیه

نم توئینه‌وه‌یه له چوارچیوه‌ی شیوه‌زارناسی پیدراومه‌ته‌وه‌ر (شیوه‌زارپیوی) و به که‌لک‌وه‌رگرتن له شیکاری کوی دراوه‌کان، هه‌ول د‌هدات گرینگترین گرووه «سنووری هاوبیژی» شیوه‌زاره‌کانی باکووری پاریزگای ئیلام که شه‌به‌نگیکی به‌ربلاو له هیماننه زمانیه‌کانی به‌ستینه‌کانی ده‌نگ‌ناسی، وشه‌سازی و رسته‌سازی له خو ده‌گری، بنوئینه‌وه. کومه‌له‌ی ژمیرکویی نم توئینه‌وه‌یه هه‌موو ۱۶ میره‌دیی کوی چوار شاری باکووری پاریزگای ئیلام (ئیلام، نه‌یوان، چرداول و سیروان) ده‌گریته‌وه. نم توئینه‌وه‌یه به پیی نمونه‌گیری له هه‌موو نه‌و دپهاتانه‌ی زیاتر له ۱۰ بنه‌ماله‌یان تیدایه (به پیی ژمیرکوی سالی ۱۳۹۰ی هه‌تاوی) نه‌نجام دراوه و بهم پییه و هه‌روه‌ها به پیی لیچچوونی شیوه‌زار، دریزپی س‌روا، له‌مپه‌ره‌کانی توئینه‌وه و شیوه‌زاره‌ ناوازه‌کان، له هه‌ر دپهاتیک یه‌ک نمونه (به گشتی ۳۶ نمونه‌ی شیوه‌زار له ۳۵ دپهات) کو کراوه‌ته‌وه. که‌ره‌سته‌یه‌ک که لهم توئینه‌وه‌دا که‌لکی لی‌وه‌رگیراوه هه‌ر نه‌و پرسپارنامه‌ی «که‌لاله‌ی میلیله نه‌تله‌سی زمانی ئیران»ه که له که‌لاله‌ی «فه‌ره‌نگساز»دا که‌لکی لی‌وه‌رگیراوه. بنه‌مای شروفه‌یی نم توئینه‌وه‌یه به گشتی ۱۱۷ وشه و ده‌سته‌واژه و سی رسته‌ی ساده‌ن که له پرسپارنامه‌که هه‌له‌ینجراون. شیوه‌ی کار له گوپه‌پاندایه. شی‌کردنه‌وه‌ی پیدراوه کوکراوه‌کان به شیوه‌ی ژمیرکویی به نه‌نجام گه‌یشته‌وه. بو نم شیکارییه له به‌رنامه‌ی ژمیرکویی و شیکارانه‌ی باقه‌ی نه‌رم‌ئامیری شیوه‌زارپیوی و نه‌خشه‌نگاری (نوسخه‌ی ویب)، به به‌ربلاوی ناوچه‌ی شیوه‌زاره‌کان، چه‌شناوچه‌شنیه‌ ده‌نگی، وشه‌یی و رسته‌یه‌کانی به‌ستینی به‌ر توئینه‌وه‌ که‌لک‌وه‌رگیراوه.

**وشه س‌ره‌کییه‌کان:** پاریزگای ئیلام، شیوه‌زارپیوی، چه‌شناوچه‌شنیه شیوه‌زار، نه‌تله‌سی شیوه‌زار، شیکاریی چروپور، سنووری هاوبیژی، ته‌ناوب (یه‌ک‌ناپه‌کی)

**واژگان کلیدی:** گویش‌سنجی، تنوع گویشی، اطلس گویشی، تحلیل انبوهه، مرز همگویی

<sup>I</sup> (نویسنده مسؤول) yasersana93@gmail.com

<sup>II</sup> a.najafian@pnu.ac.ir

<sup>III</sup> s.mollaye@gmail.com

<sup>III</sup> karzan.sanaei68@gmail.com

## ۱- مقدمه

با توجه به گوناگونی‌های زبانی و گویشی که در اقصی نقاط سرزمین پهناور ایران وجود دارد و با توجه به اهمیت پاسداری این میراث زبانی در روزگاری که روند نابودی زبان‌ها و گویش‌های محلی تحت تأثیر جهان ارتباطات، شتابی روزافزون گرفته، پژوهش‌های گویش‌شناسی و گویش‌سنجی و ترسیم اطلس‌های زبانی، خدمتی بزرگ در راستای ثبت و نگاهداشت این میراث ملی به شمار می‌آید. هرگاه برای تعیین معیارهای بازشناسی گویش‌ها و لهجه‌ها به زبان عامه رجوع کنیم، مواردی از ناهمسانی‌های واژگانی و گاه دستوری را یاد می‌کنند. بدین معنی که اگر مصداق‌های ناهمسانی دو گویش هم‌جوار در یک ناحیه‌ی خاص را از مردم همان ناحیه جویا شویم، از عبارات ویژه، برخی ناهمسانی‌های واژگانی و یا ناهمگونی در نواخت و آهنگ واژگان و گفتار، نام می‌برند. اما چگونه می‌شود چنین ناهمسانی‌هایی را به صورتی روشمند و در چهارچوب نظامی مدون، بازساخت؟ کدام‌یک از وجوه افتراق به مقوله‌ی نحو وابسته می‌شود، کدام‌یک واژگانی است و کدام‌یک آوایی؟ اصولاً ناهمسانی میان گویش‌های یک ناحیه، تا چه اندازه معنا دارند و می‌توانند گویش را از لهجه بازنمایی کنند؟ مرزهای گویشی و زبانی در چه جاهایی در هم آمیخته می‌شوند؟

درباره‌ی مطالعات گویش‌شناسی و گویش‌سنجی در حوزه‌ی شمالی استان ایلام، چنین می‌توان گفت که بازنمایی گوناگونی گویش‌های حوزه‌ی شمالی استان ایلام اغلب به روش‌هایی سنتی و بر پایه‌ی نظرات پیشینیان خلاصه شده است. بر طبق آمار جمعیتی (سازمان آمار کشور، ۱۳۹۰)، ناحیه‌ای جغرافیایی که چهار شهرستان شمال استان ایلام (ایلام، ایوان، چرداول و سیروان) در آن واقع شده‌اند، بیش از ۶۰٪ جمعیت استان را در خود جای داده است. همزمان در این محدوده‌ی جغرافیایی، پراکندگی تنوعات گویشی و زبانی نیز یافت می‌شود. گونه‌های زبانی این ناحیه متعلق به خانواده‌ی زبان کردی هستند که خود نشانگر اهمیت پژوهش در گونه‌های زبانی حوزه‌ی پژوهش مذکور است. گویش‌های متعدد کردی، خود به خانواده‌ی بزرگ زبان‌های ایرانی متعلق است که مجموعه‌ی زبانی یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند. «زبان کردی به سه گروه عمده‌ی شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می‌شود که هرکدام از گروه‌های عمده، گویش‌هایی را شامل می‌گردند. زیربخش گروه جنوبی شامل گویش‌های کرمانشاهی، سنجابی، کلهری، لکی، لری است» (بلو، ۱۳۹۳: ۵۴۳-۵۴۴). حوزه‌ی پژوهش حاضر، گونه‌های زبانی مذکور را شامل می‌گردد. علاوه بر این‌ها، گونه‌ی زبانی «فیلی»<sup>۱</sup> منتسب به والیان فیلی پشتکوه،

<sup>۱</sup> Feyli/feili.

نیز در محدوده‌ی استان ایلام، تکلم می‌شود (پالیزبان، یوسفی‌راد ۱۳۹۴: ۴۲ و مرادی‌مقدم، ۱۳۸۵: ۱۱) که بیشترین جمعیت گویشی را نیز به خود اختصاص داده است.

در پژوهش حاضر، بر اساس نتایج تحلیل داده‌های زبانی گردآوری شده از پرسشنامه‌ی زبانی، می‌کوشیم که نمایی کلی از گونه‌های زبانی منطقه و نیز «مرزهای همگویی»<sup>۱</sup> به دست دهیم. همچنین با بهره‌گیری از روشی نوین از گویش‌سنجی، اطلاعات حاصل از پژوهش‌های سنتی گونه‌های زبانی شمال استان ایلام را بهبود ببخشد. علاوه بر مطالب فوق، بررسی توزیع جغرافیایی برخی از مهم‌ترین واژگان و جملات پرسشنامه در حوزه‌ی شمالی استان ایلام و نیز یافتن و مکان‌نگاری تغییرات و دگرگونی‌های زبان گونه‌ها، گویش‌ها و یا لهجه‌های مختلف کردی ایلام و سنجش شاخص فاصله‌ی زبانی میان آن‌ها از دیگر اهداف نوشتار حاضر است. برجسته‌نمایی گروه‌های مرزی همگویی در شمال استان ایلام، به نحوی می‌تواند در شناساندن هرچه بیشتر گونه‌های زبانی رایج در منطقه تأثیر داشته باشد و راه ثبت و ضبط آن‌ها را تسهیل نماید و در ترسیم نقشه‌های گویشی و اطلس‌های زبانی راهگشا خواهد بود؛ همچنین در تکمیل و راهنمایی پژوهش‌های آتی نیز سهمی به‌سزا خواهد داشت. نوآوری نوشتار حاضر همانا معرفی و شناساندن برجسته‌ترین مرزهای همگویی در حوزه‌های مختلف آوایی و ساختوازی و حتی نحوی است. در واقع نتیجه‌ی این نوشتار ما را به مجموعه‌ای از تمایزات زبانی می‌رساند.

### ۲- پیشینه‌ی تحقیق

نخستین بار محمد امین زکی بیگ، پژوهشگر نامدار کرد به یکی از زبان‌گونه‌های حوزه‌ی پژوهش حاضر یعنی شمال استان ایلام، اشاره می‌کند. زکی بیگ که طی یک سفر رسمی در ۱۹۱۶ به لرستان می‌رود و مدتی را نزد والی اقامت می‌کند، می‌نویسد: غالباً به کردی با والی و همراهان او، صحبت می‌نمودم و به آسانی و راحتی مطالب خود را به آنان تفهیم می‌کردم و به مطالب آنان پی می‌بردم و بر من معلوم شد که اختلاف زبان گونه‌ی کرمانجی جنوبی با زبان گونه‌ی فیلی، از اختلاف کرمانجی شمالی بیشتر نمی‌باشد (زکی بیگ، ۱۳۸۰: ۲۳۱). وی در ادامه می‌نویسد: گویش فیلی، بدون شک، بیشتر از زبان فارسی به کرمانجی جنوبی نزدیک تر است و خود آنان بر این موضوع واقف‌اند و در کرد بودن خود هیچ شک و شبهه‌ای ندارند (همان). سارایی (۱۳۷۹) بر بنیان گویش‌شناسی سنتی، تنها به تقسیم‌بندی گونه‌های زبانی کردی پرداخته است (سارایی، ۱۳۷۹: ۳۵). پالیزبان (۱۳۸۰) در پایان‌نامه‌اش تحت عنوان

<sup>۱</sup> Isogloss.

نظام آوایی گویش کردی ایلام به معرفی دستگاه واجی و ساختمان هجایی گویش کردی ایلام پرداخته و به یکی از شاخص‌ترین تمایزات واجی گویش‌های کردی جنوبی با گویش‌های کردی شمالی اشاره می‌کند (واکه‌ی (y) (ٲٲ)).<sup>۱</sup> همچنین می‌نویسد: در گویش کردی ایلام، خوشه‌های دو همخوانی آغازی وجود دارد و عضو دوم خوشه همواره یکی از نیم‌واکه‌های y, w, ŋ, j است. علی اکبر شیری (۱۳۸۰) به توصیف آواهای گویش ایلامی پرداخته است. کریمی دوستان نیز (۱۳۸۱) ویژگی‌های مشترک گویش‌های ایلامی بررسی کرده است. نویسنده دستگاه واجی گویش سورانی، اردلانی و ایلامی را مختصراً بررسی نموده است و بسامد و اشتراک واجی واج‌های /h/, /ʃ/, /w/ و /ē/ را در این گویش‌ها دال بر اشتراک و نزدیکی آنها می‌داند. یکی از مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با نوشتار حاضر را کرد زعفرانلو کامبوزیا و ثباتی (۱۳۹۲) انجام داده‌اند و فرایندهای واجی همخوانی در گویش کلهری را بر اساس واج‌شناسی زایشی بررسی کرده‌اند. در این مقاله با بررسی داده‌ها، انواع فرایندهای واجی، همچون همگونی، حذف در جایگاه میانی و پایانی، تضعیف، تقویت و قلب بررسی شده است. نویسندگان مقاله «حذف» و «تضعیف» را پربسامدترین و «درج» را کم‌بسامدترین فرایندهای واجی در این گویش معرفی کرده‌اند. امامی و سبزه (۱۳۹۲) نیز نظام آوایی گویش کردی کرمانجی و کردی ایلامی را با هم مقایسه نموده‌اند. یکی دیگر از کارهای مهم تحقیقاتی در جهت تهیه و تدوین اطلس بخشی از حوزه جغرافیایی ایلام، پایان‌نامه‌ای است تحت عنوان طرح ملی گویش‌شناسی ایران (۴۰ روستا در استان ایلام) شماره ۹ که بازیار (۱۳۹۱) در آن، گویشورانی همکاری داشته‌اند، که غالباً مرد، کشاورز، دامدار و بین گروه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال بوده‌اند. پرسشنامه‌ی پژوهش بازیار، شامل ۱۴۹ واژه و ۴۴ جمله است. به عبارتی، پرسشنامه‌ی فرهنگساز به علاوه‌ی تعدادی جمله و واژه‌ی بیشتر. بازیار اطلس گویشی استان را بر مبنای واژه‌ی «دختر» در ۴۰ روستا ارائه می‌دهد:



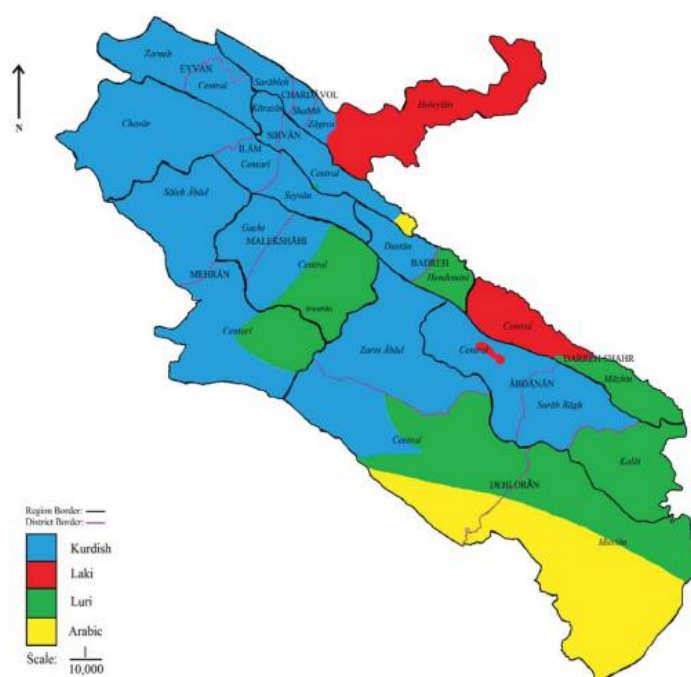
شکل ۱: اطلس گویشی استان بر مبنای واژه‌ی «دختر» در ۴۰ روستا (بازیار، ۱۳۹۱: ۲۴۰)

<sup>۱</sup> نویسه‌ای که در داخل کمانک آمده در این نوشتار استفاده شده است.

<sup>۲</sup> این واکه در این پژوهش با نشانه‌ی f نشان داده شده است.

## شاخص‌ترین گروه «مرز همگویی» در گونه‌های زبانی | ۹۹

از معدود مقالات دیگری که در این زمینه نگاشته شده است می‌توان به علی‌اکبری و همکاران (۲۰۱۴) اشاره کرد. داده‌های این پژوهش را تیم تحقیقاتی دانشگاه ایلام گردآوری کرده است. در این پژوهش، از هر شهرستان (مجموعاً نه شهرستان<sup>۱</sup>)، حداقل ده نفر از اعضای جوامع زبانی، به صورت «غیر تصادفی» مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. این پژوهش بر مبنای گویش شناسی سنتی و ارائه‌ی پرسشنامه، چهار زبان اصلی «لکی»، «لری»، «کردی» و «عربی» را در استان ایلام بازمی‌شناسد و تصویری از خلاصه‌ی نگرش‌های محلی توزیع زبان را در استان ایلام به دست می‌دهد.



شکل ۲: چهار زبان اصلی استان ایلام (علی‌اکبری و همکاران، ۲۰۱۴: ۶)

همان‌گونه که در بخش مروری بر پژوهش‌های پیشین ذکر شد، در هیچ‌کدام از تحقیقات پیشین به طور ملموس و برجسته، مرزهای همگویی آشکار نشده و جسته و گریخته در خلال برخی پژوهش‌ها مثلاً پالیزبان (۱۳۸۰) تنها به نمونه‌هایی از این مرزها اشاره شده است؛ بنابراین مرزهای همگویی جایابی جغرافیایی نیز نشده‌اند، یعنی بر مخاطب مشخص نیست که مسیر تغییر آوایی، واژگانی یا به عبارتی مسیر و محل مرز همگویی در کدام ناحیه جغرافیایی

<sup>۱</sup> تعداد شهرستان‌ها، مربوط به بازه‌ی زبانی پژوهش است.

جایابی می‌شود. از همین رو یکی از مهمترین نوآوری‌های پژوهش حاضر همانا تعیین و جانمایی و مکان‌یابی مهم‌ترین مرزهای همگویی شمال استان ایلام است.

### ۳- روش‌شناسی

در پژوهش حاضر با استخراج داده‌های زبانی پرسشنامه و نتایج تحلیل انبوهی داده‌ها، مهم‌ترین گروه «مرز همگویی» در گونه‌های زبانی شمال استان ایلام برجسته و شناسانده شده است. در واقع این مهم از رهگذر بررسی و تبیین مناطق گویشی شال استان ایلام و همچنین تبیین پراکندگی جغرافیایی تنوعات زبانی-گویشی، تنوعات آوایی، صرفی و نحوی در حوزه‌ی پژوهش به دست می‌آید. برای تکمیل پایگاه داده‌ها، به روش میدانی به ۱۶ دهستان در شمال استان ایلام مراجعه حضوری شد. مجموع این دهستان‌ها در چهار شهرستان ایلام، ایوان، چرداول و سیروان قرار گرفته‌اند. در گام نخست، روستاهای بالای ۱۰۰ خانوار (با توجه به آمار سال ۱۳۹۰) برای انجام پرسشنامه در نظر گرفته شدند و با توجه به شباهت گویشی، بعد مسافت، محدودیت‌های پژوهش و گویش‌های منحصربه‌فرد، از هر روستای هدف، یک نمونه‌ی گویشی تهیه شده است. در مجموع با توجه به این که یکی از روستاها، اصطلاحاً «دوگویشی» (بو سراب کارزان) مجموعاً ۳۶ نمونه‌ی گویشی از ۳۵ روستا فراهم گردید.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، همان پرسش‌نامه‌ی «طرح ملی اطلس زبانی ایران» مورد استفاده طرح «فرهنگساز»<sup>۱</sup> است. مبنای تحلیل این پژوهش، مجموعاً ۱۱۷ واژه، عبارت و سه جمله‌ی ساده، مستخرج از پرسشنامه است.<sup>۲</sup> روش پژوهش میدانی است. تحلیل داده‌های گردآوری شده به صورت آماری به انجام رسیده است. با بهره‌گیری از امکانات آماری و تحلیلی بسته‌ی نرم‌افزاری گویش‌سنجی و نقشه‌نگاری RuG/L04 (نسخه‌ی تحت وب)، پراکندگی مناطق گویشی، توزیع تنوعات آوایی، واژگانی و نحوی حوزه‌ی پژوهش، مورد تحلیل قرار گرفت. بعد از پیاده‌سازی و استخراج فایل‌های صوتی، در آغاز و با بهره‌گیری از نرم‌افزار مایکروسافت اکسل<sup>۳</sup> و نویسه‌های آی.پی.ای (IPA) معادل مواد زبانی پرسش‌نامه نگاشته شد. پس از تهیه‌ی معادل‌های گویشی با استفاده از نویسه‌های آی.پی.ای و فراهم‌سازی آوانوشت کلی داده‌ها، از فایل اکسل، خروجی با فرمت «تکست» تهیه شد و از سوی دیگر فایل kmz/kml نیز از نرم‌افزار گوگل ارث<sup>۴</sup> به دست آمد و این دو فایل که تمامی مختصات جغرافیایی و نیز داده‌های پژوهش

<sup>۱</sup> توضیح «فرهنگساز» در پیوست انتهای نوشتار آمده است.

<sup>۲</sup> رجوع شود به پیوست شماره‌ی ۲.

<sup>۳</sup> Microsoft Excel 2010.

<sup>۴</sup> Google Earth.

## شاخص‌ترین گروه «مرز همگویی» در گونه‌های زبانی | ۱۰۱

را شامل می‌شدند. در نرم‌افزار تحت وب که در سایت <https://www.gabmap.nl> قابل دسترسی است، بارگذاری شدند و پس از آن از امکانات آماری-تحلیلی نرم‌افزار تحت شبکه، در سنجش گونه‌های زبانی حوزه‌ی پژوهش، استفاده شد.<sup>۱</sup>

### ۴- یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

چنان‌چه بخواهیم از مجموع نتایج پژوهش، نتایجی را تفکیک کنیم که مرتبط با عنوان نوشتار حاضر است، می‌توان به این موارد اشاره کرد. از تحلیل داده‌ها مشخص شد که یک گروه «مرز همگویی» برجسته، گونه‌های زبانی شمال استان ایلام را از هم متمایز می‌کند. هرچند عناصر زبانی متعددی، می‌توانند زیرمجموعه‌ی این گروه شمرده شوند، اما مهم‌ترین گروه مرز همگویی شامل این موارد است: دو تناوب برجسته‌ی آوایی (تناوب همخوان /h/ و /x/، و تناوب /ɬ/ و /jæ/)، هفت تناوب برجسته‌ی ساختوازی و یک تناوب عمده‌ی نحوی. در بخش «بحث و نتیجه‌گیری» به برخی یافته‌های دیگر که تقسیم‌بندی گونه‌های زبانی حوزه‌ی پژوهش را به دست می‌دهد، اشاره می‌کنیم.

### ۴-۴- گروه «مرز همگویی»

#### ۴-۱-۴- تناوبات آوایی

#### ۴-۱-۱-۴- تناوب کم‌سآمد همخوان /h/ و /x/

بر پایه‌ی تحلیل داده‌ها، معادل واژه‌ی «دایی» در ۳۱ روستا [xat̪u] بود و تنها در پنج روستا معادل [hat̪u] به کار رفته است. چهار روستا در بخش هلیلان (شمال شرقی استان) و یک روستا در شهرستان سیروان (روستای حسن گاوداری) قرار دارند. بر این اساس همخوان سایشی چاکنایی بیواک /h/ در تناوب با همخوان سایشی، ملازی و بیواک /x/ قرار دارد.

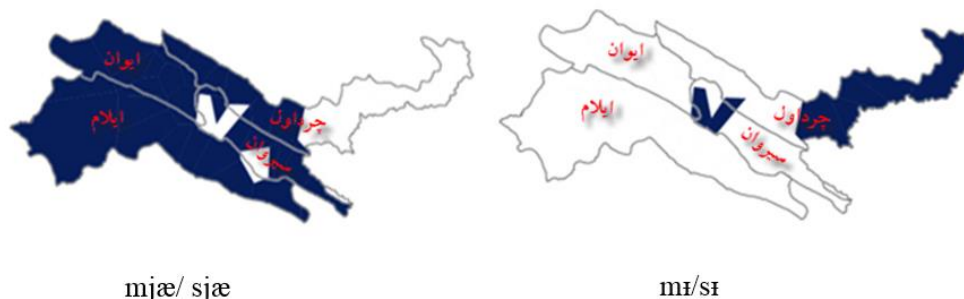


شکل ۳: تناوب همخوان /h/ و /x/ در واج آغازین واژه‌ی معادل «دایی»

<sup>۱</sup> جزئیات استخراج داده‌ها، در متن اصلی پایان‌نامه موجود بوده و فضای این نوشتار مجال بیان آن‌ها نیست.

۲-۱-۱-۴- تناوب /ɨ/ و /jæ/

واکه‌ی گسترده، نیمه‌پیشین، نیم‌بسته و افراشته /ɨ/ یکی از واج‌های تمایزدهنده‌ی زبان کردی و نیز گونه‌های زبانی حوزه‌ی پژوهش به شمار می‌آید. این واکه در جدول IPA به صورت /ɨ/ نشان داده شده است. البته بایستی نشانه‌ی تفکیک‌دهندی «ɨ» که جدول آی.پی.ای تعریف نموده را نیز به زیر و یا به بعد از واکه اضافه نماییم تا افتادگی نسبی این واکه نسبت به واکه‌ی افراشته‌ی /ɨ/ نمایان شود. اما محدودیت نرم‌افزار گویش‌سنجی، ما را بر آن داشت که به جای نویسه‌ی /ɨ/ از نویسه‌ی /ɨ/ استفاده نماییم.<sup>۱</sup> برای نمونه، واژه‌ی معادل «خروس» در گونه‌ی زبانی روستای (صیدنظری) در واقع به صورت /kæɨæɨɨɨ/ آوانگاری می‌شود، اما با توجه به نکته‌ی مذکور، در این نوشتار آوانگاری آن به صورت /kæɨæɨɨ/ ثبت شده است. در حوزه‌ی عمومی و غیر تخصصی نوشتار در حوزه‌ی پژوهش، شکل لاتین این واکه، به صورت /ē/ و در رسم‌الخط برگرفته از عربی، به صورت /ئ/ نشان داده می‌شود. نقشه‌ی توزیع این تناوب در شکل (۴) آمده است.



شکل ۴: تناوب واکه /ɨ/ و غلت-واکه /jæ/ در معادل واژگان «گوسفند» و «سیاه»

جدول ۱: نمونه‌هایی از تناوب /ɨ/ و /jæ/		
معنای فارسی	/ɨ/	/ɨæ/
میش	mɨ	mɨæ
سیاه	sɨ	sɨæ

<sup>۱</sup> توضیحات مربوط به ویژگی‌های آوایی این واکه از کلاس درس استاد دکتر یدالله پرمون اقتباس شده است.



۲-۱-۴- هفت تناوب ساختوازی

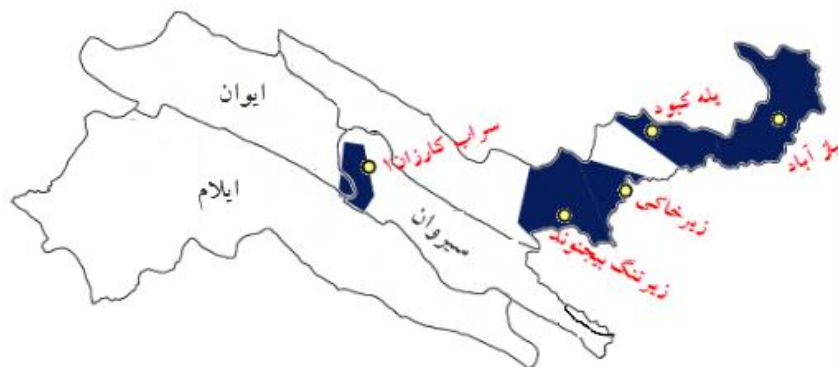
۱-۲-۴- تناوب در تلفظ واژه‌های معادل «بچه»

یکی از مهم‌ترین تمایزات واژگانی گویشوران حوزه‌ی پژوهش، مربوط می‌شود به معادل واژه‌ی «بچه (فرزند)».



شکل ۵: توزیع تلفظ واژه‌ی «بچه»

بر اساس (شکل ۵) به طور کلی می‌توان چنین برداشت کرد که گویشوران مناطق شمال شرقی استان، برای معادل واژه‌ی «بچه» (فرزند)، معادل «ʔɑil»، گویشوران مناطق شمال و شمال غربی حوزه‌ی پژوهش، واژه‌ی «mənɑt» و گویشوران مناطق جنوبی و جنوب غربی حوزه‌ی پژوهش، معادل «zɑʁu» را به کار می‌برند. اگر پراکندگی معادل «ʔɑil» را بنگریم، خواهیم دید که در میانه‌ی حوزه‌ی جغرافیایی پژوهش، و به طور دقیق در روستای سراب کارزان، ردی از این واژه دیده می‌شود. این در حالی است که زبان‌گونه‌ی مردمان این روستا (سراب کارزان ۱) و به طور کل مردم دهستان کارزان، علاوه بر برخی همسانی‌های عموماً واژگانی، برخی تشابهات صرفی نیز با زبان‌گونه‌ی «لکی» (مناطق شمال شرق استان) دارد. معادل واژگان «بچه» و «دختر» و معادل ضمائر «خودش» و «خودم» و نیز به کارگیری نشانه‌ی استمرار «mæ=مه» در صرف افعال استمراری، دلایلی بر اثبات این همانندی به شمار می‌روند (ناگفته نماند که دو روستا از این دهستان، دوگوشی هستند و زبان‌گونه‌ی دوم را کلهری می‌خوانند).



شکل ۶: توزیع معادل /ʔɑil/ برای واژه‌ی «بچه» با اشاره به روستا «سراب کارزان ۱»

۲-۲-۱-۴- تناوب در تلفظ واژه‌های معادل «پدربزرگ»  
 تمایز واژگانی مشهود دیگر در داده‌ها، معادل‌های واژه‌ی «پدر بزرگ (پدر پدر)» است. مناطق شمال شرق استان و گویشوران روستاهای منتخب این حوزه، سه صورت تلفظی /bapiræ/، bowæ kælən, bowæ bozofg / را برای واژه‌ی «پدر بزرگ» به کار برده‌اند. (جدول ۲) بسامد این واژه را بین گویشوران نشان می‌دهد.

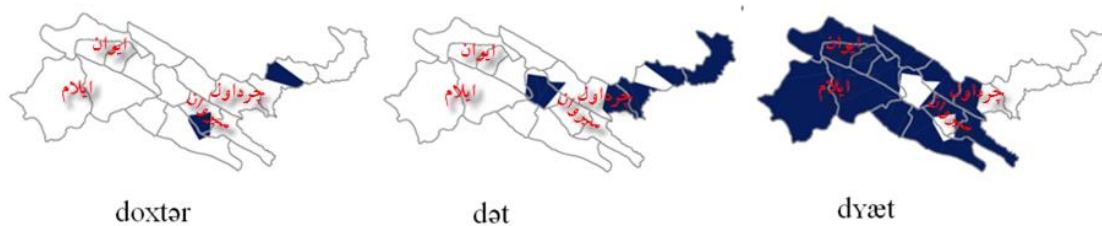
جدول ۲: بسامد تنوعات تلفظی واژه‌ی «پدربزرگ»			
bowæ bozofg	bowæ kælən	bapiræ	تلفظ
۱	۲	۳۳	بسامد

بر این اساس، می‌توان (شکل ۷) را نمایان کننده‌ی تمایز واژگانی واژه‌ی «پدربزرگ» در حوزه‌ی پژوهش دانست.



شکل ۷: توزیع جغرافیایی تلفظ معادل واژه‌ی «پدربزرگ»

۳-۲-۱-۴- تناوب در تلفظ واژه‌های معادل «دختر»



شکل ۸: توزیع جغرافیایی تلفظ معادل واژه‌ی «دختر»

نقشه‌ی فوق (شکل ۸) نشان می‌دهد که روستاهایی از شهرستان سیروان، همانندی آشکاری در برخی حوزه‌های معنایی با روستاهای بخش هلیلان دارند. روستاهای بخش کارزان، همانند روستاهای بخش هلیلان واژه‌ی «دختر» را به صورت [dət] تلفظ می‌کنند و این خود

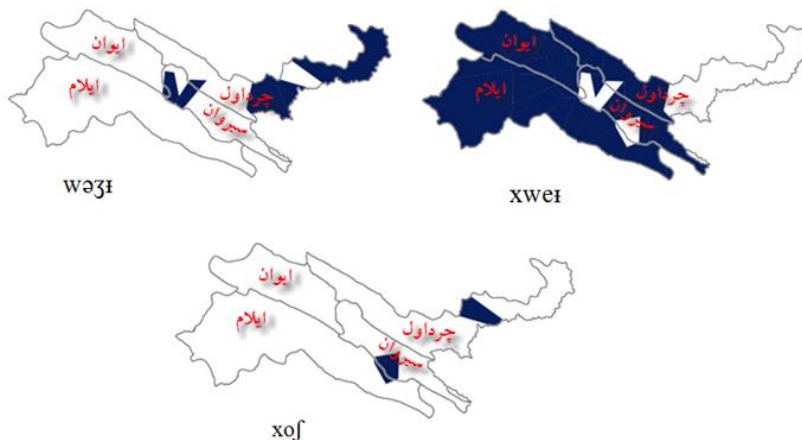
## شاخص‌ترین گروه «مرز همگویی» در گونه‌های زبانی | ۱۰۵

نشانه‌هایی زبان‌شناختی به دست می‌دهد تا قرابت و ریشه‌یابی گویش‌های این بخش را به سهولت بیشتری ردیابی نمود.

۴-۱-۲-۴- تلفظ ضمیر مشترک «خودش»

یکی از مهم‌ترین تمایزات صرفی، به معادل ضمیر مشترک «خودش» در بیان گویشوران روستاهای پژوهش مربوط می‌شود.

جدول ۳: بسامد تنوعات تلفظی ضمیر «خودش»			
xweɪ	wəʒɪ	xoɟ	تلفظ
۲۸	۶	۲	بسامد

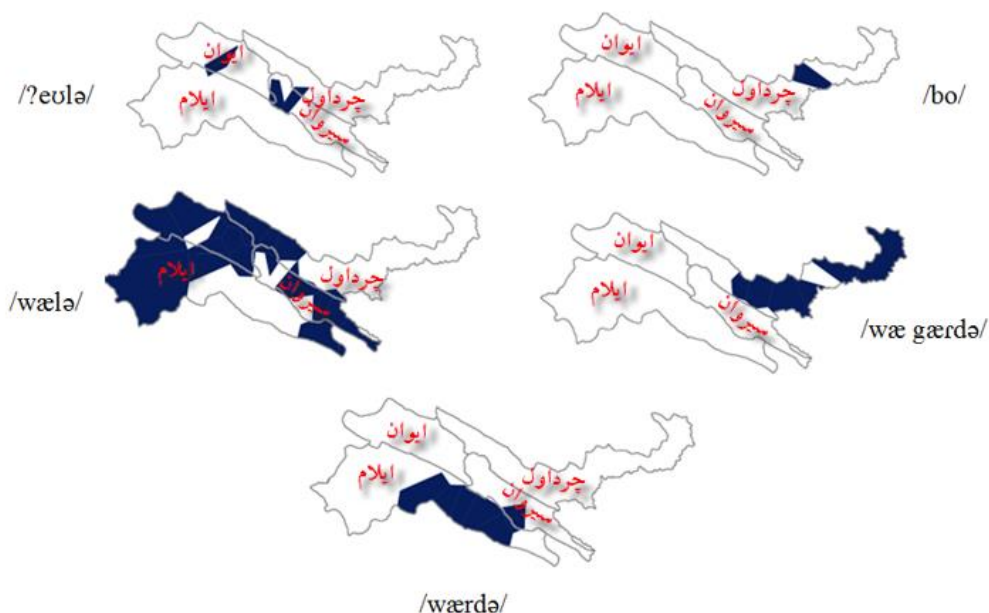


شکل ۹: توزیع جغرافیایی تنوعات تلفظی معادل ضمیر «خودش»

۵-۱-۲-۴- تنوعات تلفظی حرف اضافه‌ی «با/ همراه»

از دیگر نشانه‌هایی که تا حدودی نشانگر محل جغرافیایی یک گوینده است، حرف اضافه و همراهی «با» می‌باشد. بسامد این حرف و معادل‌های گویشی آن در (جدول ۴) آمده است:

جدول ۴: بسامد تنوعات تلفظی حرف اضافه‌ی «با/ همراه»					
?eʊlə	bo	wælə	wæ gæfdə	wæfdə	تلفظ
۳	۱	۲۰	۶	۶	بسامد



شکل ۱۰: توزیع جغرافیایی تنوعات تلفظی معادل قید «با/همراه»

۶-۲-۱-۴- تنوعات تلفظی بن مضارع مصدر «خواستن» در فایل داده‌ها برای معادل فعل «می‌خواهم» (اول شخص مفرد مضارع استمراری) ۱۱ تنوع تلفظی ثبت شده است که با نزدیک کردن برخی تلفظات مشابه، به ویژه در مناطق شمال شرقی استان، می‌توان جدول ۵ را به دست داد:

جدول ۵: بسامد تنوعات تلفظی فعل «می‌خواهم»				
mætwɔm	mæxwɔzɔm	ʔætwɔm	meɪm/mɪm	تلفظ
۱	۱	۲	۴	بسامد
twɔm	xwɔzɔm	ʔæxwɔzɔm	mɪhɔm/mɪɔm	تلفظ
۱۹	۶	۱	۲	بسامد

ناگفته نماند که یکی از دلایل پرداختن به زمان ماضی استمراری در داده‌ها، و اهمیت این صیغه‌ی فعلی در انتساب یک گویش به ناحیه‌ای خاص، همانا صورت‌های مختلف علامت استمرار (=می) در معادل‌ها است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد. در ترسیم نقشه‌ی توزیعی معادل‌های فعل «می‌خواهم» دو نکته مطرح است: نخست آنکه در ابتدا بایستی به سه تنوع واژگانی موجود در معادل‌ها توجه نمود. یعنی بن مضارع «خواستن» در کلام گویشوران به سه

## شاخص‌ترین گروه «مرز همگویی» در گونه‌های زبانی | ۱۰۷

صورت /xwɑz-/ و /twa-/ و /h(j)ɑ-/ ظاهر شده است. توزیع این سه تکواژ، در گستره‌ی پژوهش در نقشه‌ی (شکل ۱۱) آمده است. دوم آنکه افعال را به لحاظ وجود یا نبود نشانه‌ی استمرار بررسی کنیم.



شکل ۱۱: توزیع جغرافیایی تنوعات تلفظی بن مضارع مصدر «خواستن»

۴-۱-۲-۷- تنوعات تلفظی پیشوند استمراری در ادامه، حوزه‌ی جغرافیایی پژوهش را برای رصد کردن توزیع جغرافیایی پیشوند استمراری، بررسی می‌کنیم. در فایل داده‌ها سه پیشوند استمراری مشاهده می‌شود که عبارتند از: /me(æ)/ و /?æ/ و /?ə/ (تهی). (شکل ۱۲).



شکل ۱۲: توزیع جغرافیایی تنوعات تلفظی پیشوند استمراری

در کاربرد نشانه‌ی استمراری /?æ/ در مرز بین دهستان لومار از شهرستان سیروان و مرز دهستان میش خاص از شهرستان ایلام دستکم سه روستا، این نشانه را به کار می‌برند. بر اساس آشنایی نگارنده، در ناحیه‌ی سیروان، مجموعاً هشت روستا که به صورت پیوستار در کنار هم و در مرز دهستان لومار با دهستان میش خاص واقع شده‌اند، در یک مجموعه‌ی گویشی با اندک تفاوت‌هایی قرار می‌گیرند. اما سه روستای «گوراب علیا»، «گوراب سفلی» و برخی از ساکنین «سرابکلان» را هم می‌توان جزو گویشورانی قلمداد کرد که نشانه‌ی استمراری /?æ/ را در آغاز فعل استمراری به کار می‌برند. ناگفته نماند که ویژگی‌های دستوری دیگری از گونه‌ی زبانی روستای «پاکل گراو» از شهرستان ایلام در داده‌ها ثبت شده است که در تمامی روستاهای شهرستان سیروان دیده نمی‌شود؛ برای نمونه معادل دوم شخص مفرد ماضی ساده از مصدر

«رسیدن» در روستای «پاکل گراو» عبارت است از /hatəd/ اما در روستاهای دیگر (گوراب و قاضی خان) که گمان می‌رود با این روستا قرابت زبانی داشته باشند، معادل /hati/ ثبت شده است.

مجموعه‌ی گویشورانی که در بین مردم به زبان گونه‌ی «ئه کا و ناکا» مشهور است، منتسب به شهرستان بدره هستند؛ زیرا تمرکز جمعیتی گویشوران این زبان گونه، در این شهرستان است و چون این زبان گونه، خود مانند جزیره‌ای بین دیگر گونه‌های زبانی و در تعامل با دیگر همسایگان زبانی خود قرار دارد، می‌تواند موضوع پژوهش‌هایی از قبیل چگونگی جایگیری این گویشوران در این ناحیه‌ی خاص، انتقال مقولات دستوری معین به مناطق همجوار و نوع آن‌ها و ... باشد. نزدیک‌ترین زبان گونه‌هایی که علامت استمرار /æ/? را به کار می‌برند، در شهرستان کامیاران استان کردستان قرار دارند و این قرابت و فاصله‌ی جغرافیایی می‌تواند گمانه‌هایی را در باب مهاجرت مردمان منتسب به زبان گونه‌ی «بدره‌ای» پیش کشد.

### ۳-۱-۴- تناوب نحوی «ساختار کنایی» (ارگتیو)

«ساختار کنایی» (ارگتیو): اصطلاح «کنایی بودن» در پذیرفته‌ترین تعبیرش برای توصیف الگوی دستوری به کار می‌رود که در آن با فاعل بند لازم به همان شیوه‌ای رفتار می‌شود که با مفعول بند متعدی، و این متفاوت است از رفتاری که با فاعل [بند] متعدی می‌شود (دیکسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴: مقدمه به نقل از دبیرمقدم، ۱۳۹۲، ج ۱، ۷۶). در واقع فاعل ساخت‌های کنایی لازم و متعدی با هم متفاوت است. گویش‌های شمالی کردی از جمله کرمانجی، از ساخت کنایی کامل برخوردارند و این ویژگی در گویش‌ها و گونه‌های جنوبی‌تر به «نیمه‌کنایی» و فاعلی مفعولی بدل می‌شود. تحت تأثیر این نظام‌های حالت‌نمایی، در گویش‌های مختلف زبان کردی صورت‌های مختلفی برای مطابقه‌ی فعل با فاعل شکل گرفته است. با عنایت به مطالب فوق و با استناد به داده‌های پژوهش، یکی از تمایزات نحوی متداول در میان گونه‌های زبانی رایج در حوزه شمالی استان ایلام به همین تنوعات نظام مطابقه‌ی فعل با فاعل مربوط می‌شود. در برخی گونه‌ها ساختارهایی دیده می‌شود که در آن‌ها شناسه‌ی شخص و شمار، به جای اتصال به فعل گذشته (در زمان حال چنین ساختاری دیده نمی‌شود) به مفعول جمله می‌پیوندند. اگر به مثال زیر نگاهی بیفکنیم، موضوع روشن می‌شود: برای نمونه، گویشور روستای زیرخاکی برای جمله فارسی «من تو را دیدم»، معادل /mə tənəm di/ را بیان کرده است. حال معادل همین جمله را با یکی روستاهای غربی و مرکزی حوزه‌ی پژوهش مقایسه می‌کنیم. مثلاً روستای هفت چشمه

1. Dixon.

## شاخص‌ترین گروه «مرز همگویی» در گونه‌های زبانی | ۱۰۹

که معادل /mə tə dim/ را در فایل داده‌ها ثبت کرده است. شناسه‌ی فعل در اول شخص مفرد، تکواژ /m/ است. این شناسه اگر در یک روستای خاص و بیان یک گویشور از حوزه‌ی پژوهش وقوع یابد دو حالت بیشتر ندارد: یا این که به پایانه‌ی فعل متصل می‌شود و یا این که از پایانه‌ی فعلی جدا گشته و به ضمیر منفصل میانی جمله می‌پیوندد.

ma+ta+di+m ↔ ma+ta(nə)m+di+...

فلش دو جهته، نشان‌دهندی این است که تعیین صورت زیرساختی این جابه‌جایی، که تعیین مسیر آن در حوزه‌ی زبان‌شناسی تاریخ-تطبیقی قرار می‌گیرد، صورت نگرفته است. اما در تمامی زبان‌گونه‌های ناحیه‌ی پژوهش، فاعل جمله یکسان است. یعنی با مطابقتی از نوع «نیمه‌کنایی» مواجه هستیم. بر مبنای معادل گویشی جمله‌ی «من تو را دیدم»، و پس از یکپارچه‌سازی داده‌ها، روستاهای پژوهش را می‌توان در دو حوزه‌ی عمده بازشناخت. (شکل ۱۳) توزیع «ساختار نیمه‌کنایی» را در زبان‌گونه‌های حوزه‌ی پژوهش نشان می‌دهد.



شکل ۱۳: توزیع جغرافیایی تنوع نحوی «ساخت نیمه‌کنایی» (منطقه تیره رنگ، شامل آن و مناطق سفید رنگ فاقد این ساخت)

### ۵- پاسخ به پرسش‌های پژوهش

تنوعات آوایی در حوزه‌ی پژوهش در «تناوب» یا همان «توزیع تکمیلی» اند. برای بازنمایی زیرساختی و به تصویر کشیدن وضعیت بی‌نشان پیش از تناوب، معیارهایی ارائه شده است که در مجال این نوشتار نمی‌گنجد و نیاز به پژوهش‌های تاریخی و تطبیقی با حجم داده‌های بیشتر و گستره‌ی جغرافیایی گسترده‌تری دارد. به هر روی، در پی پاسخ برای پرسش‌های اساسی پژوهش باید گفت که بر اساس نتایج پژوهش، مهم‌ترین تنوعات آوایی که می‌تواند عضو

برجسته‌ای از «گروه مرز همگویی» باشند، تناوب همخوان /h/ و /x/ و تناوب /ɪ/ و /jæ/)Iæ/ برشمرده می‌شوند. از مهم‌ترین تمایزات صرفی گویشوران حوزه‌ی پژوهش، می‌توان به هفت نمونه اشاره کرد.

نخستین تناوب مربوط می‌شود به معادل واژه‌ی «بچه (فرزند)». به طور کلی از داده‌های پژوهش چنین برمی‌آید که گویشوران مناطق شمال شرقی استان، برای معادل واژه‌ی «بچه» (فرزند)، معادل «?aɪl»، گویشوران مناطق شمال و شمال غربی حوزه‌ی پژوهش، واژه‌ی «mənɑɪt» و گویشوران مناطق جنوبی و جنوب غربی حوزه‌ی پژوهش، معادل «zɑfu» را به کار می‌برند.

دومین تناوب از تناوب‌های صرفی، از معادل واژه‌ی «پدر بزرگ» نشأت می‌گیرد. سومین تناوب برای معادل واژه‌ی «دختر» است. تناوب چهارم از مهم‌ترین تمایزات صرفی است و به معادل ضمیر مشترک «خودش» در بیان گویشوران روستاهای پژوهش مربوط می‌شود. پراکندگی گویشورانی که این معادل را به کار می‌برند، عیناً همان نواحی‌ای است که لفظ «?aɪl»، را برای معادل «بچه» به کار می‌برند. به عبارتی همان شمال شرق حوزه‌ی پژوهش و بخش کارزان از شهرستان سیروان.

در تناوب پنجم با معادل‌هایی حرف اضافه‌ی «از» و حرف اضافه و همراهی «با» روبه‌رو هستیم. در تناوب ششم، تنوعات تلفظی بن مضارع مصدر «خواستن» در زمان ماضی استمراری را بررسی نموده‌ایم. تناوب هفتم در حوزه‌ی پیشوندهاست که توزیع و پراکندگی سه پیشوند استمراری /me(æ)/ و /?æ/ و /ɔ/ (تهی) را نشان می‌دهد. مهم‌ترین تمایز نحوی بین زبان‌گونه‌های حوزه‌ی پژوهش، همانا بر اساس «ساختار کنایی» استوار است. بدین معنی که روستاها و مناطق جغرافیایی شمال شرق استان و آن‌هایی که منتسب به گویش «لکی» هستند، ساخت «نیمه‌کنایی» دارند و برای مطابقت فعل و فاعل از جابه‌جایی ضمیر بهره می‌برند.

## ۶- تطبیق یافته‌ها با دیرینه‌ی پژوهش‌های پیشین

از تطبیق کلیت یافته‌های پژوهش با پیشینه‌ی پژوهش‌های صورت گرفته که مبحث گویش و اطلس زبانی حوزه‌ی پژوهش را واکاویده‌اند، چنین برمی‌آید: بر اساس نتایج حاصل از تحلیل انبوهی از داده‌ها، تقسیم‌بندی کل‌نگر علی‌اکبری و همکاران (۲۰۱۴: ۶) در قالب نقشه‌ی گویشی استان، تا آن‌جا که مربوط به حوزه‌ی پژوهش می‌شود، تأیید می‌گردد. در پژوهش مذکور گونه‌های زبانی مورد اشاره در شهرستان سیروان، به درستی نام برده شده‌اند و برای این شهرستان سه گونه‌ی «لری»، «کردی» و «عربی» در نظر گرفته شده است. همچنین، این



## شاخص‌ترین گروه «مرز همگویی» در گونه‌های زبانی | ۱۱۱

پژوهش، گویشوران شهرستان ایوان را گویشوران «کردی» می‌داند که در نوشتار حاضر نیز این مطلب تأیید می‌شود. با وجود برخی اشتراکات، تفاوت‌هایی در جزئیات نتایج به چشم می‌خورد. از جمله، بر اساس نتایج نوشتار حاضر، در شهرستان چرداول، هر سه گروه عمده‌ی گویشی (لری، لکی و کردی جنوبی) گویشور دارند، اما در پژوهش علی‌اکبری و همکاران (۲۰۱۴) به این مهم اشاره نشده است و گویشوران این شهرستان را «لک» و «کرد» می‌خوانند. در پژوهش ایشان، به درستی به تعداد و نوع گونه‌های زبانی شهرستان سیروان اشاره شده است. در ادامه، برای اشاره به گونه‌های زبانی شهرستان ایلام، از گونه‌های «کردی، عربی، فارسی و دیگر زبان‌ها» نام می‌برد. نتایج تحلیل انبوهه، تنها می‌تواند وجود گونه‌ی «کردی» در شهرستان ایلام را تأیید کند. کاربرد لفظ «زبان» در پژوهش علی‌اکبری و همکاران برای نامیدن گونه‌های زبانی ایلامی، علمی به نظر نمی‌رسد، بلکه باید از معادل‌های «گویش، لهجه» برای این تنوعات بهره برد. همچنین اشاره به ثبت داده‌هایی از زبان فارسی و عربی و دیگر زبان‌ها در شهرستان ایلام، به معنای ورود به بحث «گویش‌شناسی شهری<sup>۱</sup>» است که مجال‌ی جداگانه و مفصل می‌خواهد و از روایی پژوهش مذکور کاسته است.

از تطبیق نتایج حاصل از تحلیل انبوهه با پژوهش بازیار (۱۳۹۱) چند نکته قابل ذکر است. نخست آن که، یافته‌های پژوهش بازیار، درباره‌ی وجود همخوان‌ها، واکه‌ها و واکه‌های مرکب، با یافته‌های حاصل از نوشتار حاضر، تطابق نسبی دارد. هرچند تفاوت در به کارگیری نشانه‌های آوانگاری دیده می‌شود. بازیار، در اطلس گویشی‌ای که بر مبنای واژه‌ی «دختر» ارائه می‌دهد، مکان‌یابی معادل این واژه در حوزه‌ی جغرافیایی شمال شرق استان (بخش هلیلان)، دیده نمی‌شود. به علاوه، معادل این واژه را در بخش کارزان، همان لفظی را ثبت نموده که در دیگر روستا‌های مجاور ثبت کرده است. یعنی به تفاوت تلفظی این واژه در بخش کارزان اشاره ننموده است. در واقع می‌بایست، تلفظ /dət/ را بر روی نقشه و برای نواحی «هلیلان» و «کارزان» جانمایی می‌کرد. این کار در پژوهش حاضر آمده و از نوآوری‌ها محسوب می‌گردد. همچنین در پژوهش بازیار (۱۳۹۱) خلاء پژوهشی پیرامون روستاهای دوگوشی دیده می‌شود. با این حال با وجود گستردگی پرسشنامه، بررسی تنوعات، و ارائه‌ی نقشه‌ها بسیار محدود و کلی است.

---

<sup>۱</sup>Urban dialectology.

## ۷- بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در جای‌جای نوشتار می‌بینیم، پرسش اساسی پژوهش که در پی یافتن گروه «مرز همگویی» برجسته در شمال استان بود، نشانه‌هایی از آشکارشدگی را پدیدار می‌سازد. به بیان دقیق‌تر، در خلال یک پژوهش کلی تا حدودی مرزهای همگویی برجسته نمایان شد، اما نتایج، محدود به پرسش پژوهش نمی‌گردد و راستی‌های دیگری نیز از تحلیل انبوهی داده‌ها، پدیدار گشته است که در حد وسع نوشتار، بدان‌ها می‌پردازیم.<sup>۱</sup> کلیت برآیند و نتیجه‌ی داده‌های پژوهش، از تحلیل انبوهی مجموع ۱۱۷ واژه-عبارت و سه جمله پرسشنامه، به قرار زیر است: سه تنوع گویشی عمده در حوزه‌ی پژوهش شناسایی شد. گروه گویشی نخست، با عنوان «لری» شناخته می‌شود که بخشی کوچکی از شهرستان چرداول و یک روستا از شهرستان سیروان را شامل می‌گردد. گروه گویشی عمده‌ی دوم، تحت عنوان «لکی» رایج است. از مجموع ۳۶ روستای مورد پژوهش، چهار روستای (پیازآباد)، (زیرخاکی) و (زیرتنگ بیجنوند) و (پله‌کبود) واقع در بخش هلیلان شهرستان چرداول، گویشور این زبان‌گونه به شمار می‌آیند. ویژگی «نیمه‌کنایی» از مهمترین ویژگی‌های زبانی این گونه‌ی زبانی است. تمامی روستاهای دیگر (۳۰ روستا) و گونه‌هایی که گویشوران، آن‌ها را «کلهری، فیلی، ایلامی، خزلی» می‌دانند، در زیرمجموعه‌ی گروه گویشی عمده‌ی سوم، تحت عنوان «کردی جنوبی» جای می‌گیرند. یکی از نکات مهم و درواقع پیش‌بینی‌های زبانی که تاحدودی منطبق بر واقعیات آماری نرم‌افزار نیز است، دورشدگی زبان‌گونه‌ی «خزلی» از نخستینه‌ای زبانی به نام «لکی» است. در (شکل ۱۴) آشکار است که بخش کارزان، به عنوان یک جزیره‌ی زبانی، تشابهات فراوانی را با ناحیه‌ی جغرافیایی «هلیلان» دارد. این بدان معنا نیست که مسیر مهاجرت را از این بخش جغرافیایی بپنداریم، بلکه مشخص است که مسیر مهاجرت احتمالی، از مکان‌هایی بوده که گونه‌ی زبانی اصلی و غالب، به لکی مشابهت داشته است.

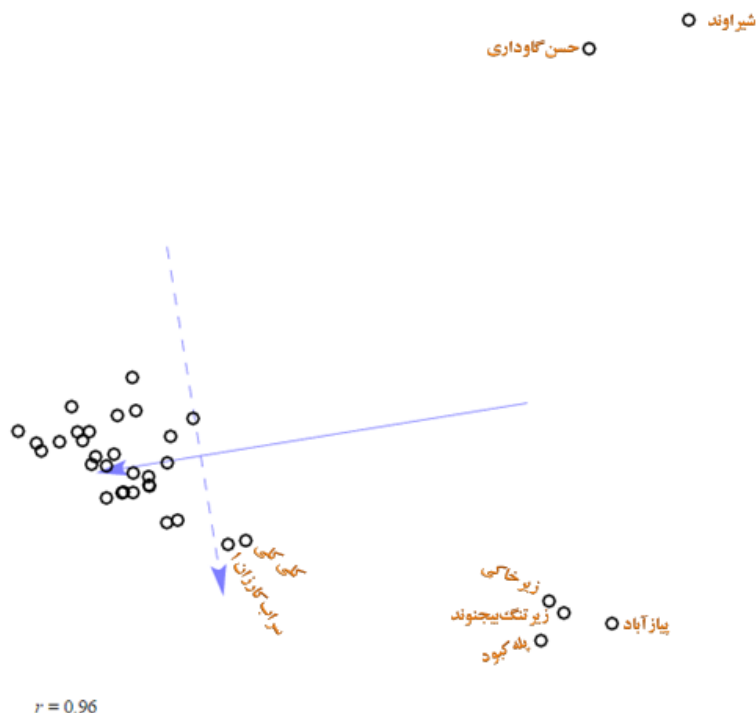


شکل ۱۴: تشابهات زبانی ناحیه‌ی جغرافیایی «کارزان» با «هلیلان»

<sup>۱</sup> برای اطلاع از جزئیات بیشتر، در خصوص نتایج پژوهش زبانی در شمال استان ایلام به متن اصلی پایان‌نامه‌ی نویسنده‌ی این سطور رجوع شود.

## شاخص‌ترین گروه «مرز همگویی» در گونه‌های زبانی | ۱۱۳

نقشه‌ای آماری با نام «مقیاس گذاری چندبعدي»<sup>۱</sup> (شکل ۱۵) مبین این مطلب است و دو روستای «کلی کلی» و «سراب کارزان»<sup>۲</sup> را تا حدودی از سایر روستاها مجزا نموده است که به زعم نگارنده، بایستی بیانگر سیرتحولی این زبان گونه قلمداد شود.



شکل ۱۵: نمودار مقیاس گذاری چندبعدي از روستاهای پژوهش

درخصوص انطباق کلی خطوط مرز همگویی، باید گفت که برآیند تمایزات زبانی همسو نیست؛ بدان معنا که مثلاً مرز همگویی بر اساس تمایز و آشکارشدگی «ارگاتیو» و ناحیه‌ی جغرافیایی که نشان‌دهنده‌ی رواج ارگتیو دارد، منطبق با مرز همگویی ناشی از معادل «بچه» نیست. از متن پژوهش فوق، نوآوری‌هایی در حوزه‌ی گویش‌شناسی و گویش‌سنجی آشکار گشت. یکی از مهمترین نوآوری‌ها، چگونگی تفریق و تمایز بین گونه‌های زبانی یک ناحیه است. درواقع برآیند و تحلیل انبوهه‌ی داده‌های زبانی به ما کمک می‌کند که در مورد یک گونه‌ی زبانی خاص نظر بدهیم و جهت‌گیری و گرایش آن گونه‌ی زبانی به گونه‌های دیگر را از دریچه‌ی آمار و کمیت

<sup>۱</sup> Multidimensional Scaling (MDS).

<sup>۲</sup> در تعیین سایت‌ها و روستاهای مورد پژوهش که داده‌های زبانی از آن‌ها گردآوری شد، روستای سراب کارزان به عنوان روستای دوگویشی مشخص گردید؛ بدین معنی که همزمان در این روستا دو گونه‌ی زبانی در تکلم مردمان روستا رایج است. گونه‌ی نخست را با عنوان «سراب کارزان ۱» و گونه‌ی دوم را با عنوان «سراب کارزان ۲» نامگذاری کردیم. تفاوت ماهوی زبان گونه ۲ به نحوی است که نمی‌توان آن را با «لکی» مشابه دانست.

بنگریم و همچنین می‌توانیم برای یک زبان گونه و موقعیت آن، پیش‌بینی‌هایی به دست دهیم. نمونه‌ی این پیش‌بینی در مورد زبان گونه‌ی «خزلی» در این پژوهش ارائه شده است. علاوه بر مطالب فوق، یافته‌های این پژوهش، داده‌های زبانی فراوانی را در دسترس پژوهشگران زبانی قرار داده است تا سیر حرکتی تناوبات آوایی، ساختواژی و نحوی را مبتنی بر نقشه‌های جغرافیایی پیگیری کنند و بتوانند بر مبنای این داده‌های حداقلی، درآینده پژوهش‌های جامع‌تر و کل‌نگری را در پهنه‌ی جغرافیایی استان‌های غربی و حتی دیگر مناطق کشور انجام دهند. مشخص و مبرهن است که این پژوهش به مانند بسیاری دیگر از پژوهش‌ها، هرچند توانسته نوآوری‌هایی را ارائه دهد، اما کاستی‌هایی نیز دارد. یکی از کاستی‌های برجسته که پیش‌روی نویسنده قرار گرفته بود همانا هزینه‌بر بودن پژوهش‌های میدانی و نبود حامیان مالی برای کارهای پژوهشی در این حوزه است که چنان‌چه این مسأله رفع شود و نهادهای دولتی که متصدی واقعی پژوهش‌های زبانی‌اند و امکانات و اعتبارات این امور جزو وظایف ذاتی آن‌هاست، از پژوهش‌های اینچنینی حمایت کنند، می‌توان وسعت و گستره‌ی پژوهش‌ها را از ناحیه‌ای خاص و استانی ویژه به نواحی بیشتری گسترش داد و آنجاست که نتایج پژوهش و آمار و انبوهه‌ی داده‌ها، دقیق‌تر و مستندتر خواهد بود.

## منابع

### فارسی:

- جویس، بلو (۱۳۹۳). «زبان کردی» در: *راهنمای زبان‌های ایرانی*. جلد دوم: زبان‌های ایرانی نو. ویراسته‌ی رودریگر اشمیت. ترجمه‌ی فارسی زیر نظر حسن رضایی باغبیدی. تهران: انتشارات ققنوس.
- پالیزبان، کرم اله و فاطمه یوسفی‌راد (۱۳۹۴). «بررسی معیارهای رده‌شناختی گویش کردی ایلام» فصلنامه‌ی فرهنگ ایلام. شماره ۴۶ و ۴۷.
- مرادی مقدم، مراد (۱۳۸۶). *تاریخ سیاسی اجتماعی کردهای فیلی در عصر والیان پشتکوه*. ایلام: پرسمان.
- زکی بیگ، محمد امین (۱۳۸۰). *زبده‌ی تاریخ کرد و کردستان*. ترجمه‌ی یدالله روشن اردلان. تهران: توس.
- سارایی، ظاهر (۱۳۷۹). *شاعر قله‌های مه‌آلود*. ایلام: گوپه.
- شیری، علی اکبر (۱۳۸۰). «مقدمه‌ای بر توصیف آوای گویش کردی ایلامی». فصلنامه‌ی فرهنگ ایلام. شماره هفتم و هشتم.
- کریمی دوستان، غلامحسین (۱۳۸۳). «بررسی تطبیقی کردی ایلامی». دومین همایش ملی ایران‌شناسی. تهران.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و الهام ثباتی (۱۳۹۳). «فرایندهای واجی همخوانی در گویش کردی کلهری». فصلنامه‌ی جستارهای زبانی. دوره ۵، شماره ۱ (پیاپی ۱۷).
- امامی، حسن و مهدی سبزه (۱۳۹۲). «مقایسه‌ی نظام آوایی کرمانجی خراسانی و کردی ایلامی». فصلنامه‌ی فرهنگی ایلام. دوره ۱۴، شماره‌ی ۴۰ و ۴۱.
- بازیار، حسین (۱۳۹۱). *طرح ملی گویش‌شناسی ایران (۴۰ روستا در استان ایلام) شماره ۹*. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
- پالیزبان، کرم‌الله (۱۳۸۰). *نظام آوایی گویش کردی ایلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- پرمون، یدالله (۱۳۸۶). *طرح ملی اطلس زبانی ایران*. کتابچه‌ی جامع تدوین اطلس. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی (جلد اول و دوم)*. تهران: سمت.

ملایی پاشایی، سیف‌الله (۱۳۹۲). گویش‌سنجی رایانشی دامنه‌ی شمالی البرز مرکزی بر پایه الگوریتم لوشین: تدوین یک اطلس زبان‌شناختی. رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور.

سنایی، یاسر (۱۳۹۵). بررسی تنوع گویشی نواحی شمال استان ایلام: تدوین اطلس گویشی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.

#### انگلیسی:

Mohammad Aliakbari, Mojtaba Gheitasi & Erik Anonby (2014). *On Language, Distribution in Ilam Province*. Iran from <https://www.researchgate.net>, Last Updated: 17 Jul 2016

## شاخص‌ترین گروه «مرز همگویی» در گونه‌های زبانی | ۱۱۷

### پیوست‌ها

#### پیوست ۱:

مدخل‌های نهایی مستخرج از پرسشنامه (شامل ۱۱۷ واژه-عبارت و سه جمله ساده)

پدر	مادر	برادر	خواهر	پسر	دختر	بچه	عمو	دایی	پدرپدر	دختران خوب
زن	شوهر	داماد	عروس	عمه	شب	خورشید	ماه	ستاره	پدرمادر	مرغ‌های سیاه
باد	آتش	خاک	باران	برف	سنگ	چشم	دهان	زبان	مرد خوب	مادیان سفید
بز	بره	میش	گرگ	قاطر	سگ	مرغ	خروس	کبوتر	زن خوب	یک زن
گل	درخت	جو	بادام	خانه	هیزم	نان	پنیر	نماز	یک مرد	خروس‌های سیاه
شیرین	دور	نزدیک	هزار	خون	من	تو	او	ما	آن مرد	با (حرف اضافه)
یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	آن زن	انسان آبستن
صد	بیست	اینجا	آنجا	چوب	کجا؟	این	آن	ده	آن مردان	حیوان آبستن
خاله	گاو	ماده	درخت‌ها	شما	می‌آیم	آن زنان	نر	خودش	ده مرد	پسران خوب
روز	برگ	آن‌ها	ده زن	دیروز	هنوز	رسیدی	خیلی	می‌روم	این دختر	اسب سفید
نمی‌آیم	می‌خواهم	نیامد	نمی‌بینم					خورده‌ام	این پسر	در (حرف اضافه)
من تو را دیدم			دارد کار می‌کند		در خانه بودم					

#### پیوست ۲:

##### فرهنگساز

این طرح در اقدامی مشترک از سوی «فرهنگستان زبان ایران» و «سازمان جغرافیایی کشور» و تحت عنوان «فرهنگساز» (آمیزه‌ای از نام دو نهاد دست‌اندرکار) به شکل گردآوری مواد زبانی از آبادی‌های کشور آغاز گردید. در بحبوحه‌ی تحولات اجتماعی سال ۱۳۵۷، «فرهنگساز» از ادامه‌ی راه بازماند و گنجینه‌ی مواد زبانی آن در انتظار اقدامات پژوهشی بعدی چند بار میان سازمان‌ها و ارگان‌های گوناگون ردوبدل شد. در واپسین نوبت از این جابه‌جایی‌ها، گنجینه‌ی «فرهنگساز» در سال ۱۳۷۵ به سازمان میراث فرهنگی کشور سپرده شد. از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ ه.ش این طرح با ازسرگیری روند گردآوری نمونه‌های گویشی از آبادی‌های بازمانده از فاز آغازین و مختصری تحقیقات پیرامون جغرافیای گویشی از آبادی‌های اصفهان پیگیری شد» (پرمون، ۱۳۸۶: ۲۹). این پرسشنامه شامل ۱۰۵ واژه و عبارت و ۳۶ جمله است.